

گرچه در پنج زبان فصیح نامم دانند  
به علی من گزتم شیوه گفتار کنم این سیر را

## فصل یازدهم سبک دوره مشروطیت

بی تردید انقلاب مشروطیت ایران تحوّل بزرگ و شگرف در کلیه موارد فرهنگی و اجتماعی ایرانیان بوجود آورد که شرح آن در کتب تاریخ مسطور است (۱) پیداست که از باب الادب مرآت الجوامع (۲) این انقلاب در ادب فارسی نیز تأثیر بسزایی داشته است، جریان ساده گرایی که از اوایل دوره قاجاره چه در نظم و چه در نثر فارسی آغاز شده بود به وسیله انقلاب مشروطیت به کمال خود رسید و ادبیات از کاخها به کوچه‌ها و از برج عاج به درون بازار کشیده شد، از این رو سبک دوره مشروطیت خود سبکی درخشان و مستقل و کاملاً قابل ملاحظه و مذاقه نظر است. ما در این مقال به بررسی مهمترین خصایص سبکی این دوره می‌پردازیم:

۱- از نظر قوالب شعری: از نظر قالب شعری نیز این دوره برخوردار از تحوّل و پویایی است، پیدا شدن قوالب جدید در این دوره زمینه را آماده کرد برای پیدایی شعر نیمایی و بعدها شعر آزاد و سفید.

در دوره مشروطیت مسمط سرایی رواج پیدا می‌کند و بعدها این مسمط‌گویی با نوعی ترجیع بند آمیخته می‌گردد که از آن می‌توان به قالب «مسمط ترجیعی» تعبیر کرد و از این نوع در اشعار شاعرانی چون اشرف الدین قزوینی (نسیم شمال)، ملک الشعراء بهار و فرخی یزدی فراوان دیده می‌شود.

ذیلاً به نمونه‌هایی از این باب اشارت می‌شود:

هیچ دانی که چه کردیم به مادر من و تو؟ یا چه کردیم به هم جان برادر من و تو؟  
سعی کردیم به ویرانی کشور من و تو رو که اف بر تو و من باشد و تف بر من و تو  
هر دومان مایه ننگیم امان از من و تو

من و تو هر دو جفنگیم امان از من و تو

از همان اول ما و تو به هم رنگ زدیم وز سر جهل به هم حيله و نیرنگ زدیم  
سنگ برداشته بر کله هم سنگ زدیم گاه تریاک کشیدیم و گهی بنگ زدیم

من و تو بس که دبنگیم امان از من و تو

من و تو هر دو جفنگیم امان از من و تو

الی آخر، ملک الشعراء بهار<sup>(۳)</sup>

تا بود جان گرانمایه به تن سر ما و قدم خاک وطن  
بعد از ایجاد صد آشوب و فتن بهر ایران ز چه رو در لندن

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است

ما بزرگی به حقارت ندهیم گوش بر حکم سفارت ندهیم  
سلطنت را به امارت ندهیم چون که ما تن به اسارت ندهیم

لرد کرزن عصبانی شده است

داخل مرثیه خوانی شده است

الی آخر، فرخی یزدی<sup>(۴)</sup>

آخر این قرآن همه وحی خدای اکبر است

آخر این آیات روشن معجز پیغمبر است

این کلام الله امانت از رسول اطهر است

هیچ کافر با امانت این خیانت می‌کند

روز محشر در میان انبیاء و اولیاء در قیامت از شما قرآن شکایت می‌کند

می‌کند قرآن شکایت در بساط کبریا

می‌زنند از غم به سر پیغمبران و اصفیا

پس خدا تشکیل دیوان عدالت می‌کند

در قیامت از شما قرآن شکایت می‌کند

الی آخر، اشرف الدین حسینی (نسیم شمال) (۵)

البته چنانکه ذکر آن قبلاً گذشت مسمط سرایی از اوایل دوره قاجاریه در شعر فارسی رواج پیدا می‌کند و در دوره مشروطیت از بسامد بیشتری برخوردار می‌شود.

قالب غزل در این زمان به لحاظ اشمال مطالب ادبی بر بیان هیجانات سیاسی و اجتماعی کم رنگ می‌شود اما این طور نیست که به یک بار نادیده گرفته شود برای مثال فرّخی یزدی در حالی که یک شاعر تمام عیار سبک دوره مشروطیت است یک غزل سرای بسیار ماهر و لطیف گوی نیز محسوب می‌شود چنانکه این امر را در غزل معروف و زیبای او با مطلع:

شب چو دربستم و مست از می نابش کردم

ماه اگر حلقه به در کوفت جوابش کردم (۶)

مشاهده می‌کنیم. همچنین شاعرانی همچون ملک الشعرای بهار و عارف قزوینی غزل سران نیز بوده‌اند.

مثنوی سرایی نیز در این دوره رواج دارد و شاعران این زمان مثنوی‌های خوبی را به عالم ادب فارسی عرضه داشته‌اند مثل مثنوی‌های ایرج که از نظر فرم و هنر در کمال عذوبت و سادگی و استادی است و مثنوی‌های بهار که پر محتوا و گرانبهاست. قطعه سازی نیز در این عهد رایج است مثل قطعات خوب ایرج میرزا و بعدها قطعات محکم و استادانه پروین اعتصامی.

یکی دیگر از قوالب به کار گرفته شده در سبک دوره مشروطیت قالب مستزاد است. بسامد این قالب در این سبک فراوان است بطوری که می‌توان به کارگیری این قالب را یکی از خصایص عمده سبکی شعر مشروطیت دانست چنانکه در باب مسمط ترجیعی نیز وضع بدین منوال بود. اینک به چند نمونه از مستزاد و بعضاً مستزادهای ترجیعی در این دوره اشاره می‌کنیم:

تا چند کشی نعره که قانون خدا کو؟	گوش شنوا کو؟
آن کس که دهد گوش به عرض فقرا کو؟	گوش شنوا کو؟
مردم همگی مست و ملنگند به بازار	از دین شده بیزار
انصاف و وفا و صفت و شرم و حیا کو؟	گوش شنوا کو؟

اشرف الدین حسینی (نسیم شمال) (۷)

از عوام است هر آن بد که رود بر اسلام	داد از دست عوام
کار اسلام ز غوغای عوام است تمام	داد از دست عوام
دل من خون شد در آرزوی فهم درست	ای جگر نوبت توست
جان به لب آمد و نشنید کسم جان کلام	داد از دست عوام

ملک الشعرای بهار (۸)

این مجلس چارم به خدا ننگ بشر بود	دیدی چه خبر بود
هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود	دیدی چه خبر بود
این مجلس چارم خودمانیم ثمر داشت؟	وله که ضرر داشت
صد شکر که عمرش چو زمانه به گذر بود	دیدی چه خبر بود

میرزا زاده عشقی (۹)

۲- گسترش شعر طنزآمیز: به مقیاس وسیع که گاه از آن به «احمدا گویی» (۱۰) نیز تعبیر می‌کنند و نوعی متلک گویی سیاسی و اجتماعی است، بهار در باب احمدا گویی‌های اشرف الدین قزوینی چنین می‌گوید:

احمدا گویی اشرف خوب بود صاف و بی تعقید و خوش اسلوب بود

مطلبش مطلوب بود (۱۱)

۳- رواج شعر عامیانه: و ورود بی شمار لغات مردم کوچه و بازار در شعر فارسی

که در بعضی از موارد حتی خارج شدن از عفت عمومی را نیز در بردارد، ایرج میرزا

که مثل اعلای آن است در این باره می‌گوید:

گرچه در پنج زبان افصح ناسم دانند  
 به علی من کرتم شیوه گفتار کنم (۱۲)  
 یا مثلاً آوردن کلماتی از قبیل مرغ و فسنجان یا ذغال در اشعار اشرف الدین  
 حسینی نمونه‌های خوبی از این نوع کاربرد است. گاهی از مواقع این امر به ضعف  
 تألیف نیز می‌کشد. ماشاء الله آجودانی در طی مقاله‌ای در مجله نشر دانش، سال  
 پنجم، شماره ششم در این باره چنین نوشته است: «ضعف تألیف، غلط دستوری،  
 نارسایی در بیان و تعقیدات لفظی در شعر بعضی از شاعران مشروطه دیده  
 می‌شود». این مطلب بی‌تردید به سبب همان نزدیکی شاعران دوره مشروطه به  
 مردم و زبان کوچه و بازار است زیرا مردم چندان در بند رعایت موازین دستوری و  
 قواعد نگارشی نیستند.

۴- رواج شعر روزنامه‌ای (ژورنالیستی): سرودن شعر در دفاع از انواع آزادی‌ها  
 مخصوصاً آزادی بیان و بودن بسیاری از اخبار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در  
 اشعار این دوره مانند شعر معروف (دریغ از راه دور و رنج بسیار) (۱۳) که هم در  
 دیوان بهار به چاپ رسیده و هم در دیوان میرزا زاده عشقی، یا اشعاری که در باب  
 گران شدن نان یا ذغال یا چیزهای دیگر در اشعار نسیم شمال وجود دارد نمونه‌های  
 خوب و گویایی از شعر ژورنالیستی در دوره مشروطیت به حساب می‌آید. شعر این  
 دوره از این لحاظ فایده‌های تاریخی، جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه دارد.

۵- رواج پیدا کردن اشعار وطنی - عشق به وطن و توجه به آن در دوره  
 مشروطیت در حد اعلا وجود دارد که در رأس آنها می‌توان از ملک الشعراء بهار نام  
 برد او بی‌تردید شاعر ستایشگر وطن و آزادی است، برای نمونه به چند مورد از  
 اشعار او در این باب اشاره می‌کنیم:

ای خطّه ایران مهین ای وطن من!  
 ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من!

ای عاصمه دنیی آباد که شد باز  
 آشفته کنارت چو دل پر حزن من (۱۴)

به هوش باش که ایران تو را پیام دهد  
 تو را پیام به صد عزّ و احترام دهد

نوش نیش است منوش

تا توان داری و توش

اجنبی اجنبی است

اجنبی گر به مثل می دهدت ساغر نوش

وز پی خستن او در همه اوقات بکوش

که عدو دوست نگردد به خدا گر نبی است

فرخی یزدی (۱۹)

البته در کنار وطن دوستی و عشق به ایران در ادبیات دوره مشروطیت بعضاً توجه به انترناسیونالیسم اسلامی و اتحاد کشورهای مسلمان نیز شده است، یکی از منادی گران بزرگ و مؤثر این نظریه سید جمال الدین اسد آبادی متفکر و مصلح اسلامی است، عارف قزوینی در یکی از تصنیف‌های خود که در سال ۱۳۳۶ ق درباره اتحاد ایران و عثمانی سروده است همین اندیشه را مطرح می‌کند:

پیشرفت کفر در نفاق ماست

این همه دوئیت کجا رواست

کفر و دین به هم در مقاتله است

کعبه یک، خدایک، کتاب یک

دست اتحاد

باید اینکه داد

بگذر از عناد

کز لحد برون، دست مصطفاست (۲۰)

یکی دیگر از نمونه‌های خوب در این مورد مسمط معروف و زیبای ادیب الممالک فراهانی است که هم از نظر فرم و ارزشهای هنری عالی است و هم از دیدگاه محتوا:

کز چرخ همی گشت عیان رایت کاوه

وز طول سفر حسرت من گشت علاوه

در دیده من بنگر دریاچه ساوه

برخیز شتربانا بر بند کجاوه

در شاخ شجر برخاست آوای چکاوه

بگذر به شتاب اندر از رود سماوه

وز سینه‌ام آتشکده فارس نمودار (۲۱)

۶- رواج تصنیف سازی - عصر مشروطیت را می‌توان یکی از درخشانترین ادوار رواج تصنیف سازی در تاریخ ایران بعد از اسلام دانست. فرداعلا و شاخص تصنیف در این دوره عارف قزوینی است که تصنیف‌هایش شهرت خاص و عام دارد و تصنیف ساز مشهور دیگر این دوره ملک الشعرا بهار است که او نیز به نوبه خود تصنیف‌های خوبی به عالم هنر عرضه داشته است.

۷- رواج موسیقی شعر - یکی از مهمترین خصایص سبکی اشعار دوره مشروطیت موزیکال بودن آنهاست، اغلب قریب به اتفاق این اشعار دارای موسیقی

تند و بعضاً شاد است و این به جهت متحرک و پویا بودن شعر این دوره است، این موضوع مخصوصاً در اشعار بهار و اشرف الدین بیش از دیگران به چشم می‌خورد. اینک به چند نمونه از اشعار این دو شاعر بزرگ که دارای موسیقی تند است

اشاره می‌کنیم:

آهای آهای نسیم شمال مثال شیر اوژنه  
زلزله‌ها فکنده‌ای به کوه و دشت و دامنه  
گاهی زنی به میسره گاهی زنی به میمنه  
آهسته بیا آهسته برو که گربه ساخت نزنه  
اشرف الدین حسینی (۲۲)

نسیم شمال ز پارلمان بازم تو گفتگوداری  
تمام کاسه کوزه را خیال شست و شوداری  
ز صاحبان معدلت مدام جستجو داری  
قبای پاره پاره را خیال رفت و روداری  
بازم که هایهو داری والله که خیلی رو داری

اشرف الدین حسینی (۲۳)

چار ماه است که مهمل شده کار بلدی  
گشته از غصه و غم زرد عذار بلدی  
آخر این قوم ندادند قرار بلدی  
خفته در خاک عدم جسم نزار بلدی  
نرود فاتحه خوانی به مزار بلدی  
آه و صد آه بر این حالت زار بلدی

ملک الشعرا ی بهار (۲۴)

بدون تردید یکی از علت‌های مهم موفقیت شعرهای شاعرانی چون اشرف الدین و عشقی در میان توده مردم همین داشتن موسیقی مضاعف و رقصان آنهاست.

۸- رواج لغات و اصطلاحات و ترکیب‌های غربی در شعر این دوره - به دلیل اینکه در دوره قاجاریه و مخصوصاً از زمان مشروطیت به بعد آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن مغرب زمین فراوان و گسترده شد و روابط ایران با کشورهای اروپایی وسعت پیدا کرد و دنیای صنعت و تکنولوژی غربی به ایران سرازیر شد در شعر و نثر این دوره ترکیبات و لغات زبانهای غربی مخصوصاً زبانهای روسی، آلمانی، فرانسوی و بعدها انگلیسی فراوان کاربرد پیدا کرد. ماشاء الله آجودانی در طی مقاله‌ای در مجله نشر دانش، سال پنجم، شماره ششم - که قبلاً نیز بدان اشارت رفته بود - در این باره چنین می‌نویسد: «شاعران و متفکران این دوره ناگزیر بودند که در مبارزات ضد استعماری بیشتر بر ناسیونالیزم ایرانی تکیه کنند و در مبارزات

سد استبدادی خود متکّی باشند بر دستاوردهای فرهنگ غرب از قبیل رلمانتاریزم، قانون خواهی، دموکراسی و حق حاکمیت ملت». اینک به نمونه هایی از کاربرد لغات و اصطلاحات غربی در اشعار دوره شروطیت اشاره می‌کنیم:

بس که در لیور و هنگام لته  
دو سیه کردم و کارتن ترته  
ایرج میرزا (۲۵)

شرکت نفت بریتانی و ایران است این  
کز هنرمندی جهان را مات و حیران کرده‌اند  
این شگفتی بین که از همخوابه قیر سیاه  
چون مجزا نفت و بنزین فروزان کرده‌اند  
ملک الشعراى بهار (۲۶)

ای دموکرات بت با شرف نوع پرست  
که طرفداری ما رنجبران خوی تو هست  
فرخی یزدی (۲۷)

زندگانی همه باید بشود کاللیکتیو  
تا سرانجام بگیرد سر و سامان همه  
شده فاشیزم کنون حامی ایمان همه  
ناز تو بنده سرمایه کند زحمت را  
ابوالقاسم لاهوتی (۲۸)

آمد وکیل تازه مانند ماه تابان  
با کله سیاسی بر پارلمان شتابان  
اشرف الدین حسینی (۲۹)

۹- رایج شدن کم اعتقادی به مذهب و مسخره کردن بعضی از اعتقادات دینی از طرف برخی از شعراى دوره مشروطیت مثل انتقاد از حجاب بانوان، مسخره کردن عقاید بعضاً خرافی جامعه مثل دعا نویسی، پرده خوانی و مانند آن. شاعرانی چون ایرج میرزا، عارف قزوینی، ابوالقاسم لاهوتی، علی اکبر دهخدا و اشرف الدین حسینی در این باب اشعار فراوانی دارند، برخی از اشعار ایرج میرزا در این مورد از حدود عفت کلام بیرون رفته و به صورت شعر مستهجن درآمده است. این کم اعتقادی و بعضاً بی دینی گاه به صورت گرایش به غرب و گاه به شکل گرایش به شرق و فکر مارکسیستی خود را نشان می‌داد چنانکه از نوع اخیر در شعرهای ابوالقاسم لاهوتی فراوان دیده می‌شود.



۱۰- توجه به تعلیم و تربیت - مثل اشعار ایرج میرزا در نصیحت به فرزند خود و شعرهای پروین اعتصامی، علی اکبر دهخدا، اشرف الدین قزوینی و ملک الشعرای بهار.

۱۱- رواج رئالیسم در ادبیات و شعر این زمان - این امر نیز یکی از صفات برجسته و بارز ادبیات دوره مشروطیت است، بیان رویدادها و مسایل سیاسی و اجتماعی آنگونه که هست از موارد جذاب و خوب دوره مشروطیت محسوب می‌شود، در این باره باقر مؤمنی در کتاب ادبیات مشروطیت که حاصل به طبع رسیده یک سخنرانی اوست این رئالیسم را نوعی رئالیسم برهنه نامیده است و در ادامه چنین گفته: «این رئالیسم همه جا با انتقاد سیاسی تند و طنزآمیز همراه بود شاید بتوان اسم رئالیسم سیاسی یا رئالیسم انتقادی به آن داد، برای اینکه به اعتباری می‌توان گفت ادبای این دوره جنبه‌های هنری ادبیات را فدای جنبه سیاسی آن می‌کردند.» (۳۰)

۱۲- داشتن صنعت سهل و ممتنع (۳۱) - این خصیصه نیز از خصایص بسیار مهم و مفید اشعار دوره مشروطیت است، اوج صنعت سهل و ممتنع در ادب فارسی دری در این دوره به چشم می‌خورد، اشعار ایرج میرزا - که شاید قله این صنعت در این دوره باشد - طوری است که گویی شاعر با خواننده اشعارش به سخن‌گویی روزانه و معمولی پرداخته است و هیچ‌گرددی از تکلف بر چهره آن شعرها ننشسته است برای نمونه به ابیات مشهور زیر که او در نصیحت به فرزند گفته می‌توان اشاره کرد:

هان ای پسر عزیز دل‌بند	بشنو ز پدر نصیحتی چند
می‌باش به عمر خود سحر خیز	وز خواب سحرگهان پرهیز
با مادر خویش مهربان باش	آماده خدمتش به جان باش
با چشم ادب نگر پدر را	از گفته او مپیچ سر را
چون این دو شوند از تو خرسند	خرسند شود ز تو خداوند
در کوچه چو می‌روی به مکتب	معقول گذر کن و مؤدب (۳۲)

به واقع اگر کسی می‌خواست همین سخنان را خارج از گونه شاعری بیان کند و به صورت محاوره و گفتگو ادا نماید همچنین می‌گفت که ایرج گفته است و این همان صنعت سهل و ممتنع است، در این باب توجه به اشعار اشرف الدین قزوینی و ملک الشعرای بهار و دهخدا و قطعات پروین اعتصامی نیز ضروری است.

۱۳- از بین رفتن اشعار مغلق و پیچیده جز در مواردی معدود - شعر این دوران متعلق به عوام و مردم کوچه و خیابان است و مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی روزمره آنان را بیان می‌کند بدین روی بسیار ساده و همگان فهم است و از اغلاق و پیچیدگی دور می‌باشد البته برخی از شاعران این دوره مثل ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری همچنان به سبک قدما و به تتبع از خاقانی و انوری و منوچهری به پیچیده گویی و فخامت بیان توجه فراوان داشتند اما در واقع نباید اشعار این شاعران را جزو شعرهای دوران مشروطیت به حساب بیاوریم اگر چه از نظر زمانی در آن دورانند، اینان سبک شعریشان متعلق به دوران بازگشت است.

۱۴- کم رنگ شدن صور خیال (ایماژ) به شکل قدیمی و کلاسیک آن در اشعار این دوره - به دلیل اینکه عهد مشروطیت عهد انقلاب و تحولات مهم سیاسی و اجتماعی بود و تمام آن حوادث در شعر و ادب این زمان بازتاب داشت طبعاً به کارگیری تشبیهات و استعارات و دیگر انواع صور خیال - مخصوصاً به شکل کلاسیک آن - در ادبیات این دوره کم قوت شده بود اما این مطلب به این معنا نیست که شعر این دوره خالی از صور خیال است بلکه بسیاری از اشعار شاعرانی چون بهار، ایرج میرزا، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی دارای انواع تشبیهات و استعارات بسیار زیبا - حتی به شکل سنتی آن - می‌باشد، برخی از صور خیالهای این دوره دارای سبکی خاص و برخوردار از ابداع و نوآوری و مساعد با حال و هوای سبک دوره مشروطیت است. ما در این مقال به چند نمونه از کاربرد انواع صور خیال در اشعار اشرف الدین حسینی (نسیم شمال) به عنوان یک فرد شاخص در سبک دوره مشروطیت اشاره می‌کنیم:

به عشق چشمه خورشید رو بر آسمان هر شب  
اضافه تشبیهی

به پیش مشعل مهتاب بردار و بخوان هر شب<sup>(۳۳)</sup>  
اضافه تشبیهی

بزرگان جملگی خفتند روی تختخواب خود  
مهیا کرده با دلبر شراب خود کباب خود

کشیده ماه را هر شب میان رختخواب خود<sup>(۳۴)</sup> استعاره تصریحیه و ایهام تناسب

پر طاووس نصرت را به تارک نصب می‌کردم<sup>(۳۵)</sup> اضافه تشبیهی

کو بهمن و کو رستم دستان قوقولی قو